چشم برهم زدن که آب روان شود از چشم طرفة بر آن فتره است باو بانجه
وباز کحقه نوء نوءا ای اقر وذا ابدا الحمول بما علیه لانه یقال باء فلان
بذنبه اذا احتمله کرها لا یستطیع دفعه عن نفسه ولذا ورد فی بعض الروایات
الصحیحة ابوء لک بنعمتک علی وابوء بذنبی وهو ادب حسن
یعنی در سنن نسائی وصحیح مستدرک ومسند بزار مرویست از انس رضی
الله عنه که رسول خدا فرمود دختر خود خاتون جنت فاطمه زهرا را که این دعا را
در صباح ومسا میخوانده باش که ای زنده دایم وتدبیر وحفظ خلق قایم
بامید رحمت تو طلب می کنم مدد واعانت را در همه کارها واستعاذه را از همه
بصلاح آر برای من تمامه حال مرا ومگذار مرا از الطاف وعنایات خود در
مسپار مرا بسوی نفس من مقدار زمان یکبار چشم برهم زدن در ضمن این اعتراف
است بربوبیت حق واقرارست بعبودیت خود ودر روایت نسائی است
از علی مرتضی کرم الله وجهه که گفت قاتلت یوم بدر قتالا ثم جئت
الی النبی صلی الله علیه وسلم فاذا هو ساجد یقول یا حی یا قیوم ففتح الله
علیه قوله اللهم انت ربی یعنی در صحیح بخاری وسنن نسائی مرویست از
شداد بن اوس بن ثابت انصاری برادر حسان بن ثابت که رسول خدا فرمودست
من قالها موقنا بها حین یمسی فمات من لیلته دخل الجنة ومن قالها
موقنا بها حین یصبح فمات من یومه دخل الجنة ودر قید ایقان اشعارست
بآنکه مدار امر بر موقوف معانی دعوات است اگرچه الفاظ مجرده نیز خالی از
فایده نیست ترجمه قول مذکور اینست بار خدایا توی مربی وپروردگار من نیست
سزاوار معبودیت مگر توی تو پیدا کرده مرا ومن بنده منقاد امر ونهی توام

ثم ذهبت فقاتلت
ثم جئت فاذا النبی
صلی الله علیه وسلم ساجد
یقول یا حی یا قیوم رض

الی قوم

پس قوله وانا عبدک معطوف است بر انت ربی ومحتمل که حال مقدره باشد
وکذا قوله وانا علی عهدک ووعدک یعنی من ثابتم بر عهدی ووعده که با تو
کرده ام که آن ایمان است واخلاص در عبادت پس وعد عطف تفسیری
است یا من مقیم بر عهدی که کرده با من در ازل وآن ایمان وفروع اوست
ومعتمدم بر وعده که کرده با من بوساطت آنحضرت از بهشت ورویت
قوله ما استطعت ای مقدار استطاعت وطاقت خود پس کلمه ما مقدره
ظرفیه است واین قول اعتذارست از نقص عهد بحکم قضا در وقتی که مشغول
باشد زیرا که دفع قضای خدا خارج از استطاعت من است قوله ابوء لک
الخ ای مقرم ومعترف بانعام تو که بر من است ومعترفم بگناه خود وپشیمانم
پس مغفرت کن مرا وبیامرز گناه مرا برای آنکه تحقیق شان اینست که مغفرت
نمیکند جنس گناه را دیگری مستثنی است اجماعا یا جمیع گناهان را بتوبه بسیج اصرار
مگر تو قوله فاغفر لکلمه فا مشیرست بسوی آنکه داعی را می باید که اول تایب
گردد پس از آن مهلت مطلوب خود را از خدا بخواهد پناه میجویم از
بدی چیزی که کرده ام از معصیت یا تقصیرها در طاعت که باز بسوی آن رجوع
کنم مراد غفران اوزار وعدم اصرارست لهذا سید الاستغفارست
اللهم انت ربی لا اله الا انت خلقتنی وانا عبدک
وانا علی عهدک ووعدک ما استطعت اعوذ بک من شر
ما صنعت ابوء بنعمتک علی وابوء بذنبی فاغفر لی انه لا
یغفر الذنوب الا انت یعنی در سنن ابو داود وکتاب عمل
الیوم واللیلة ابن سنی مرویست از بریده بن خصیب اسلمی این دعا در

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)